

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۲۸ نومبر ۲۰۲۲



محمد محق

بنیادگرائی علیه بنیادگرائی، طالبان و ممنوعیت سازمان‌های بنیادگرا

در یکی از فرمان‌های تازه استخبارات طالبان، فعالیت گروه‌های بنیادگرائی مانند حزب تحریر، جمعیت اصلاح و شاخه دانشجویی آن، نجم، ممنوع قرار داده شده است. فعالیت گروه‌های یاد شده در دوران جمهوریت نیز مایه نگرانی بخش‌هایی از تحلیل‌گران شرایط افغانستان بود و افکاری که آنان ترویج می‌کردند مایه بی‌ثباتی کشور شناخته می‌شد، اما با آن‌هم اقدامی برای ممنوعیت رسمی این سازمان‌ها و مانند آن‌ها صورت نمی‌گرفت. این عمل از سوی برخی از ناظران مورد انتقاد قرار داشت، اما روح دموکراسی، حتی به صورت بسیار کمجان آن، مانع برخوردهایی از این قبیل بود.

روحیه مدارا و تساهل، به رسمیت شناختن پلورالیسم و کثرت‌گرائی، باور داشتن به حقوق اساسی شهروندان در فعالیت‌های عاری از خشونت، اعطای آزادی بیان و احترام به آزادی‌های مذهبی، از ویژگی‌های اساسی دموکراسی‌های سکولار است که پایه‌های تئوریک آن‌ها را فرزندان عصر روشن‌گری نهادند. برای نهادینه شدن این اصول بنیادین، مجاهدت فراوانی صورت گرفت، از نقد تئوریک دکماتیسم و جزم‌اندیشی تا زیر سؤال بردن اتوریته‌های انحصارگرا، تا مبارزات عملی نفس‌گیری که از سطوح جریان‌های تمامیت‌خواه کاست و عرصه را برای همگان گشود. پس از آن بود که مذهب و دیگر نهادها به همزیستی مسالمت‌آمیز رسیدند، کلیسا و دانشگاه از زد و خورد دست کشیدند و متدین و نامتدین به حقوق مساوی دست یافتند. در اثر همان روند است که امروز فعالیت‌های دینی، به شمول فعالیت‌های اسلامی، در کشورهای غربی آزاد است و هیچ محدودیتی برای مساجد و مراکز اسلامی وجود ندارد، چه سلفی باشند، چه اخوانی، تبلیغی یا صوفی.

گروه‌های بنیادگرا در کشورهای ما با مدارا، کثرت‌گرایی، آزادی بیان و سایر حقوق اساسی شهروندان بیگانه‌اند و آن‌ها را بخشی از تهاجم فرهنگی غرب می‌دانند و با همه توان به مصاف آن‌ها می‌روند. هنگامی که این اصول به رسمیت شناخته نشوند جایش را انحصارگرایی، تمامیت‌خواهی، استبداد، زورگویی و سرکوب می‌گیرد. این تجربه در هر یک از کشورهایی که در نیم قرن اخیر زیر سیطره این گروه‌ها قرار گرفته است به صورت آشکار مشاهده شده است. اسلام‌گرایان سودان عرصه را بر اخوانی‌ها و بقیه سخت کرده بودند، اسلام‌گرایان ایران عرصه را بر ملی مذهبی‌ها، اصلاح‌طلبان و سایرین تنگ کردند و اینک طالبان افغانستان میدان را بر حزب تحریر، جمعیت اصلاح و دیگران بسته است.

این گروه‌ها تا هنگامی که در برابر دموکراسی‌خواهان و به اصطلاح آنان سکولارها، قرار دارند اتحادی اعلان ناشده را به پیش می‌برند. در دو دهه گذشته حزب تحریر، جمعیت اصلاح و هم‌فکران آنان در ستراتیژی کلان همان مسیری را می‌رفتند که رهبری‌اش را طالبان به عهده داشت. آنان همه متحداً اصول و ارزش‌های یاد شده را "غزو فکری" یعنی جنگ اندیشه‌ای می‌خواندند و جامعه را از آن می‌رماندند. آنان با شور و شوق از شکست غرب می‌سرودند و پیروزی به اصطلاح مجاهدین را می‌ستودند. حالا که نظام دل‌خواه شان روی کار آمده است جنگ آن‌ها آغاز یافته است. تنها در پرتو دموکراسی است که جا برای همه گروه‌ها باز می‌شود بدون این‌که یکی بخواهد دیگری را به صورت قهرآمیز از میان بردارد. پناه بردن رهبران این گروه‌ها از دست نظام اسلامی طالبان به نظام سکولار ترکیه درس آموزنده‌ای است برای کسانی که عقلی برای اندیشیدن دارند.